

اخبار نمایش

کاهش بودجه تئاتر افزایش بیکاری تئاتری‌ها



یک مدرس و کارگردان تآثر معتقد است: کاهش بودجه تئاتر در سال ۹۸ می‌گوید بایدامسال کمتر کار کنیم و تئاتر را به‌عنوان شغل اصلی‌مان کنار بگذاریم و با این همه سابقه و تجربه به سراغ رشته دیگر برویم. این مسائل برای خانواده هنرمندو تئاتر بسیار سخت است. عادل بزوده با بیان این که: «طبق آخرین اخباری که شنیدم بودجه سال ۹۸ نسبت به سال گذشته کاهش یافته است و با این اتفاق تئاتر را در بزرگ‌ترین فشار قرار دادند.» گفت: من در این حوزه با هیات دولت و مجلس شورای اسلامی که بودجه کمی برای هنر و تئاتر در نظر می‌گیرند، مشکل دارم. چرا فکر نمی‌کنند جامعه به مسائل فرهنگی نیاز دارد؟ چرا به مسائل تربیتی و مساللی که به ترویج فرهنگ کمک می‌کند، کم توجهی می‌کنند؟

او ادامه داد: به نظر من تمام هنرمندانی که در ایران تحصیل کردند و هنر را به‌عنوان شغل خود انتخاب کردند، نادیده گرفته می‌شوند، خانواده هنر به خصوص هنرمندان تئاتر بیشتر مشمول این موضوع می‌شوند و بیشتر تحت فشار قرار می‌گیرند. همین امر موجب می‌شود به نازل‌ترین وجه ممکن کارهای خود را ارائه دهند، بدون اینکه بخواهند تأثیرات فرهنگی داشته باشند. بزوده تصریح کرد: خانه تئاتر شانه به شانه مدیرانی را که کشتی تئاتر را هدایت می‌کنند، همراهی می‌کنند و کمک‌کننده هستند. این درحالیست که در بودجه نویسی و تجزیه و تحلیل بودجه اجازه ورود ندارند و همچنین بساطی به وجود می‌آید. این هنرمند عرصه تأثر با اشاره به اینکه کاهش بودجه کار هنرمندان در شهرستان‌ها راهم تحت تأثیر قرار می‌دهد، افزود: جامعه مافقط تهران نیست، جامعه ما، جامعه ایران است. قبلاً که به‌پچه‌های شهرستان بودجه کمی تعلق می‌گرفت، حالا هم با کاهش بودجه، سهم کمتری دارند و بیکاری هنرمندان شهرستانی هم افزایش می‌یابد.



معرفی شورای جدید انتخاب آثار تئاتری تالار هنر



مدیر تالار هنر طی حکمی شورای انتخاب آثار نمایشی سال ۹۸ این سالن تئاتری معرفی کرد. حسین مودن طی حکمی منصور خلیج‌نویسنده، کارگردان، پژوهشگر و مدرس تئاتر، فائزه فیض‌طراح صحنه، لباس و عروسک، محقق و مدرس نمایش خلاق و فهیمه میرزاحسینی نویسنده و کارگردان، طراح عروسک، عروسک گردان و عروسک ساز و مدرس دانشگاه را به‌عنوان شورای انتخاب آثار نمایشی در سال ۹۸ معرفی کرد.



برگزاری یادنامه محمد مطیع در تماشاخانه سنگلج

در پی درگذشت محمد مطیع، بازیگر توانای تئاتر، سینما و تلویزیون یادنامه این هنرمند روز شنبه ۳۱ فروردین در تماشاخانه سنگلج برگزار می‌شود. محمد مطیع لیسانس تئاتر از دانشکده هنرهای دراماتیک، فعالیت نمایشی خود را از دهه ۴۰ در مشهد آغاز کرد و بعد از حضور در دانشکده هنرهای دراماتیک در نمایش‌های بسیاری ایفای نقش کرد که همه این آثار در تماشاخانه سنگلج روی صحنه رفت. مرحوم محمد مطیع در سریال‌های «هزار داستان»، «سلطان و شبان»، «کوچک جنگلی»، «میر کبیر»، «تبریز در مه» و فیلم‌هایی از جمله «دایره مینا»، «کلاغ»، «تکیه بر باد»، «گفت هر سه نفرشان»، «آقای هیرو گلیف»، «آوار» و «گردبار» نیز ایفای نقش کرده بود.

این ایراد اساسی به نمایش «وقایع اتفاقیه» وارد است که چرا و چگونه

ماجرای قتل یک قهرمان محبوب ملی، دستمایه یک نمایش طنز و حتی موزیکال می‌شود؟ آیا با چنین رویکردی، انتظار داریم تماشاگر به این قتل و ماجرای تا این حد تراژیک بخندد؟ و اصلاً چرا باید بخندد؟

و علل وقوع آن‌ها را واکاوی کنیم و به حقیقت دست یابیم و از این رهگذر چراغی برافروزیم برای نسل حاضر و نسل‌های بعدی. ببینیم چگونه شد که ناصرالدین شاه را به جایی رساندند که دستور قتل پیر و مراد و مرشد و استاد خود را صادر کرد.

امیر کبیر مردی بود بسا چهره مردانه، قوی بنیه، با نگاه و کلامی نافذ، جوانمرد، باهوش و اندیشمند و عالم، مرد خدا و زاهدمنش و بلند طبع. تمام این‌ها می‌تواند انگیزه حسادت اطرافیان و از دلایل قتل امیر کبیر باشد. این دلایل خاص است که باید در نمایش تاریخی مورد واکاوی قرار بگیرند. ناصرالدین شاه می‌دانست امیر کبیر در حال انجام چه تغییراتی است و با او موافق بود اما دسیسه‌ها و فتنه‌های دسیسه چینیان و خیانت کاران و جاسوسان و... مانع کار هر دو شدند.

نمایش وقایع اتفاقیه می‌خواهد که از قتل امیر بگوید. اما در حد همان کمدی تکراری و کلیشه‌ای (علی‌رغم ادعای عبدلی) باقی می‌ماند که بارها به‌انحاء مختلف شاهد آن بوده‌ایم.



در گوشه گوشه اجرای این نمایش سخنان فلسفی و شعارهای همیشگی سقراط برای بهبود اخلاق بشری و همچنین تزکیه روح انسانی دیگر مواردی هستند که به کرات بطور مستقیم خطاب به آتنی‌ها شنیده می‌شود. البته نکته قابل تامل دیگر در متن و اجرای نمایش «سقراط»، وجود زنان است؛ سه کاراکتر زن داستان «سافو»، «زانتیبه» و «تئودوته» نقش مهمی را در انتقال مفاهیم و تعمیق شناخت به مخاطب از واقعیت‌های پیرامون دارند.

در واقع کارگردان با قرار دادن سه زن برجسته و مهم بر روی صحنه نمایش و همچنین یسار کردن از نام «مدها» زنی افسانه‌ای در اسطوره‌ها و داستان‌های یونانی سعی دارد نقبی به واقعیت وضعیت زنان در جامعه معاصر بزند.

در پایان باید خاطر نشان کرد نمایش «سقراط» با وجود نقص‌های محدود که آنها را نیز با برجستگی‌ها و ویژگی‌های قابل تامل جبران کرده، اجرایی زیبا، ستودنی و به یادماندنی در باره جایگاه و مرز معنایی تعاریفی همچون انسان، زندگی، عدالت، آزادی، و رستگاری واقعی است؛ و از این منظر که دغدغه‌اندیشیدن دارد در زمره تئاترهای ارزشمند و دیدنی قلمداد می‌شود.

ماجرای امیر کبیر بوده است.

اما واقعیت این است که اغلب مسائل مربوط به دوران قاجار و بخصوص ناصرالدین شاه، معمولاً به‌سخره گرفته می‌شوند. در این نوع نمایش‌ها، درباریان و همراهان شاه ابله و دلقک‌نشان داده می‌شوند. حتی اگر عبدلی خواسته باشد زاویه نگاه متفاوتی داشته باشد و با رویکرد کمدی جابه‌جایی به این تراژدی نگاه کند، نمی‌تواند و نباید چنین واقعه تاریخی جدی را و حقیقت پنهان در آن را به‌سخره بگیرد تنها به این دلیل که با تمهید طنز و موسیقی تماشاگر را به سالن بکشاند و سعی در دیده شدن داشته باشد.

ما باید وقایع مهم تاریخی را با جدیت و موشکافانه دنبال کنیم و به‌صورتی دراماتیک به مخاطبان و تماشاگران نشان بدهیم. وگرنه این روزها اغلب صحنه‌های نمایش در تسخیر شبهه نمایش‌های طنز و لوده‌گری‌هایی هستند که مردم را به اندازه کافی و گاه بیش از اندازه کافی می‌خنداند. پس چه دلیلی دارد که یک واقعه و شخصیت محبوب دستمایه یک نمایش طنز موزیکال شود.

وظیفه و کار یک نمایش تاریخی چیست؟ آیا شکسپیر نیز فجایع تاریخی سرزمینش را با چنین روشی به صحنه برده است؟ نقش درام در این میان چیست وقتی با یک فاجعه تاریخی و بازخوانی آن مواجه هستیم؟!

اگر بخواهیم واقعه مهم و اسفباری چون قتل امیر کبیر را که کشور ما را صد سال به عقب راند در تئاتر به نظاره و بررسی بنشینیم، لازم است کل موضوع و حواشی آن را مورد تحلیل و نقد و بررسی دقیق قرار دهیم

آدم‌ها و لاجرم حوادث را مطلقاً تک رنگ دید؛ آدم‌ها و حوادثی که پدید می‌آورند؛ خاکستری‌اند، منتهی برخی تیرگی بیشتری دارند و برخی روشنی بیشتر. عبدلی حتی در مورد شخصیت ناصرالدین شاه سعی کرده است او را فردی باسواد و حساب‌نشان دهد، شاهی که در زمانه خودش به زبان فرانسه مسلط بود و دوربین را وارد این مملکت کرد. پس او موجودی کاملاً سیاه و سفاک نیست و ویژگی‌هایی دارد که تاکنون دیده نشده و از این زاویه باید نشان داده شود.

روزها تماشای چنین اثری که فضای شاد و مفرحی دارد ضمن این که در خط داستانی آن پیام‌ها و حرف‌هایی وجود دارد، بسیار مناسب است.

اما در عین حال موسیقی نمایش را حاصل ترشحات ذهنی خودش می‌داند و نگاه و حسی که به اثر داشته است و نهایت تلاش گریز از کلیشه‌های چسبیده به شخصیت و آن مواجه هستیم؟!



سقراطی که فرهاد آئیش روی صحنه تالار وحدت زنده کرده، شاید از بسیاری جهات، ربط چندانی به شخصیت حقیقی «سقراط فیلسوف و دانشمند» نداشته باشد، اما دست‌کم از این ویژگی بر خوردار است که با زبان عامه با مردم ارتباط برقرار می‌کند.

در حقیقت مخاطبان در اجرای این نمایش شاهد اجرایی اتوبیوگرافی از زندگی یک فیلسوف نیستند بلکه در وهله اول انسانی را می‌بینند که فیلسوف است و با علم و دانش بسیاری که دارد با مردم اطرافش با زبانی ساده و قابل فهم ارتباط برقرار می‌کند.

در این نمایش شاهد زندگی یک فیلسوف یونانی هستید که در شهر آتن زندگی می‌کند و به دلیل باورها و البته دانشی که دارد از سیاست و اساسا جامعه‌ثروتمند آتن دوری می‌جوید و یک زندگی بسیار ساده و فقیرانه را انتخاب می‌کند. البته در ادامه نمایش با صحنه‌هایی روبرو می‌شوید که متوجه خواهید شد سقراط نیز می‌توانست در زمره یکی از متمولین آتن باشد؛ با اتفاقاتی که در خلال نمایش رخ می‌دهد محبوبیت سقراط نزد شاگردان و آتنی‌ها چنان شدت می‌یابد که در نهایت به دسیسه‌چینی سیاسیون برای مرگ این فیلسوف نامی با نوشیدن جام شوکران منجر می‌شود.

آدم‌ها و لاجرم حوادث را مطلقاً تک رنگ دید؛ آدم‌ها و حوادثی که پدید می‌آورند؛ خاکستری‌اند، منتهی برخی تیرگی بیشتری دارند و برخی روشنی بیشتر. عبدلی حتی در مورد شخصیت ناصرالدین شاه سعی کرده است او را فردی باسواد و حساب‌نشان دهد، شاهی که در زمانه خودش به زبان فرانسه مسلط بود و دوربین را وارد این مملکت کرد. پس او موجودی کاملاً سیاه و سفاک نیست و ویژگی‌هایی دارد که تاکنون دیده نشده و از این زاویه باید نشان داده شود.

روزها تماشای چنین اثری که فضای شاد و مفرحی دارد ضمن این که در خط داستانی آن پیام‌ها و حرف‌هایی وجود دارد، بسیار مناسب است. اما در عین حال موسیقی نمایش را حاصل ترشحات ذهنی خودش می‌داند و نگاه و حسی که به اثر داشته است و نهایت تلاش گریز از کلیشه‌های چسبیده به شخصیت و آن مواجه هستیم؟!



سقراطی که فرهاد آئیش روی صحنه تالار وحدت زنده کرده، شاید از بسیاری جهات، ربط چندانی به شخصیت حقیقی «سقراط فیلسوف و دانشمند» نداشته باشد، اما دست‌کم از این ویژگی بر خوردار است که با زبان عامه با مردم ارتباط برقرار می‌کند.

در حقیقت مخاطبان در اجرای این نمایش شاهد اجرایی اتوبیوگرافی از زندگی یک فیلسوف نیستند بلکه در وهله اول انسانی را می‌بینند که فیلسوف است و با علم و دانش بسیاری که دارد با مردم اطرافش با زبانی ساده و قابل فهم ارتباط برقرار می‌کند.

در این نمایش شاهد زندگی یک فیلسوف یونانی هستید که در شهر آتن زندگی می‌کند و به دلیل باورها و البته دانشی که دارد از سیاست و اساسا جامعه‌ثروتمند آتن دوری می‌جوید و یک زندگی بسیار ساده و فقیرانه را انتخاب می‌کند. البته در ادامه نمایش با صحنه‌هایی روبرو می‌شوید که متوجه خواهید شد سقراط نیز می‌توانست در زمره یکی از متمولین آتن باشد؛ با اتفاقاتی که در خلال نمایش رخ می‌دهد محبوبیت سقراط نزد شاگردان و آتنی‌ها چنان شدت می‌یابد که در نهایت به دسیسه‌چینی سیاسیون برای مرگ این فیلسوف نامی با نوشیدن جام شوکران منجر می‌شود.

این نمایش در پی آن است که نشان دهد با قرار گرفتن افراد در عصور و مانه و طبعاً در شرایطی غیر از شرایط زندگی خودشان، با مسائل چگونه مواجه می‌شوند و آن مسائل با حضور آنان چه شکل خاص دیگری پیدا می‌کند.

شهرام عبدلی نام کار خود را «کمدی جابه‌جایی» می‌گذارد؛ سبکی که در آن، با جابه‌جایی تاریخی و جغرافیایی افراد، حتی یک‌اژه تراژیک چهره طنز به‌خود می‌گیرد. هر چند می‌توان این ایراد اساسی را به نمایش وارد کرد که چرا و چگونه ماجرای قتل یک قهرمان محبوب ملی، دستمایه یک نمایش طنز و حتی موزیکال می‌شود؟ آیا با چنین رویکردی، انتظار داریم تماشاگر به این قتل و ماجرای تا این حد تراژیک بخندد؟ و اصلاً چرا باید بخندد؟ عبدلی خودش معتقد است نباید



نگاهی به نمایش «سقراط»؛ دانایی که می‌داند، هیچ نمی‌داند!

روایتی معاصر از نخبه‌کشی



نمایش «سقراط» به نویسندگی و کارگردانی «حمیدرضا نعیمی» جدا از متن زیبا و مفهومی و در عین حال ساده و روان، از جنبه‌های بصری بسیار چشم‌نواز و جذاب نیز برخوردار است که در نتیجه ماحصل مجموعه این عوامل در کنار هم منجر به یک نمایش فاخر و چشمگیر شده است.

سقراط نمایش بسیار دلنشینی است که فارغ از بحث‌های سیاسی و اجتماعی روز که همیشه در تئاتر در جریان است، از این قاعده مستثنی نبوده و بسیار نقادانه و طنزآنانه به مسائل معاصر طعنه می‌زند و دغدغه‌های انسان معاصر را در زوروق شخصیتی تاریخی – فلسفی می‌پیچد و شبیه‌سازی می‌کند. نمایش «سقراط» علاوه بر اشاره به بحران‌های اقتصادی و نوسانات اجتماعی جامعه امروز، یک جمله طلایی را نیز از پدر علم فلسفه به مخاطبان